



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.76015.1162

مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران

فربا حسینی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحددهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان،

ایران)

f.hosseini41@yahoo.com

منصور حقیقتیان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحددهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

mansour_haghighatian@yahoo.com

سید علی هاشمیان‌فر (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

چکیده

در حال حاضر مسائل زیست‌محیطی، چالشی فراگیر و جهانی قلمداد می‌شود. رفتارهای زیست‌محیطی انسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر محیط‌زیست، مدنظر بسیاری از اندیشمندان، پژوهشگران و محیط‌گرایان قرار گرفته است. در همین راستا جامعه‌شناسان تحلیل و بررسی مسائل زیست‌محیطی را نیازمند مطالعات جامعه‌شناختی و راه‌حل‌های اجتماعی می‌دانند. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کمی و با هدف تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران انجام شد. روش استفاده‌شده در این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری پژوهش، جوانان ۱۸-۳۵ ساله شهر تهران بودند که ۴۵۳ نفر از آن‌ها در مناطق مختلف شهر و با مدنظر قراردادن وضعیت توسعه‌یافتگی این مناطق به‌عنوان نمونه انتخاب شده و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای مطالعه شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً

مطلوب رفتار زیست محیطی در بین افراد مطالعه شده است. یافته‌های استنباطی پژوهش بیانگر این است که متغیرهای مستقل پژوهش (طبقه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سطح دین‌داری، مصرف‌گرایی و آگاهی زیست محیطی) در مجموع ۲۶ درصد توان تبیین واریانس متغیر رفتار زیست محیطی را در بین افراد مطالعه شده دارند. اثر همه متغیرهای مستقل به جز متغیر سرمایه فرهنگی بر متغیر رفتار مخرب زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است. شایان ذکر است اثر متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست محیطی بر رفتار مخرب زیست محیطی معکوس و اثر متغیرهای مصرف‌گرایی و سطح دین‌داری بر این متغیر مستقیم است. متغیر طبقه اجتماعی نیز به صورت غیرمستقیم و با میانجی‌گری متغیر دین‌داری بر رفتار مخرب زیست محیطی اثر معکوس دارد.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای زیست محیطی، جوانی، دین‌داری، مصرف‌گرایی، آگاهی

زیست محیطی.

۱. مقدمه

به زعم جامعه‌شناسان حوزه محیط‌زیست، تعامل میان انسان و محیط‌زیست تحت تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی مختلفی قرار دارد. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب‌رساندن به محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان‌ها به سمت وسوی ابعاد طبیعت‌گرایانه است. در گذشته، طبیعت آدمی را تهدید می‌کرد. در این دوران بشر قادر نبود دخل و تصرفی در آن انجام دهد. اگر تغییر جزئی هم در محیط‌زیست ایجاد می‌کرد، طبیعت به راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی می‌کرد، اما امروزه این انسان است که طبیعت پیرامونش را تهدید می‌کند. انسان بر اسرار طبیعت دست یافت و در اثر گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن رابطه انسان با طبیعت متحول شد؛ در نتیجه با بهره‌برداری بی‌رویه خود از منابع طبیعی زمینه تخریب و آلودگی محیط‌زیست را فراهم کرد. وسعت این تخریب و آلودگی برای طبیعت تحمل‌ناپذیر و جبران‌نشدنی بود. آلودگی بی‌سابقه آب، خاک،

تغییرات آب‌وهوایی، باران اسیدی، همه زمین را به‌سوی فاجعه زیست‌محیطی پیش برد (سباتینی^۱، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۴).

رفتارهای زیست‌محیطی انسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر محیط‌زیست، مدنظر بسیاری از پژوهشگران و محیط‌گرایان قرار گرفته است. بلیک^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی وضعیت مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه، به این مشکلات در ایران پرداختند. مطابق بررسی‌های آن‌ها، ناپایداری زیست‌محیطی و تخریب گونه‌های زیستی و جانوری، در خطر افتادن امنیت آب و منابع آب و آلودگی هوا از مهم‌ترین مشکلات زیست‌محیطی در حال حاضر در جامعه ایران هستند. از نظر آن‌ها یکی از دلایل اصلی این مشکلات، شهرنشینی سریع و بی‌توجهی به توسعه پایدار است که زمینه آسیب‌های زیست‌محیطی را در سطوح فردی و سازمانی فراهم می‌کند (میرزایی، شریف‌زاده و سهرابی، ۱۴۰۰، صص. ۱۸۴-۱۸۵)

گسترده‌گی شهر تهران، تراکم جمعیت، مصرف انبوه، تولید انبوه زباله و سبک زندگی گوناگون و ناپایدار شهروندان، به‌علاوه وجود محدودیت‌های طبیعی، فرهنگی و ساختاری در ایجاد و شکل‌گیری سبک زندگی پایدار، این شهر را به‌گزینه مناسبی برای مطالعات جامعه‌شناختی، زیست‌محیطی و شهرنشینی پایدار تبدیل کرده است.

از بین گروه‌های مختلف اجتماعی نیز دانش‌آموزان و دانشجویان در حفظ محیط‌زیست نقش اساسی ایفا می‌کنند. درواقع، این قشر به‌چند دلیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. نخست رفتار کنونی آنان بر محیط‌زیستی که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد؛ دوم، به‌عنوان نسل آینده که نقش قشر تحصیل‌کرده در جامعه را ایفا خواهند کرد، مشاغل حساسی را اشغال خواهند کرد که از نظر حفاظت محیط‌زیست اهمیت دارد (پایتختی اسکوئی، بابازاده و اکبری، ۱۳۹۸، ص. ۲۸). از طرفی با توجه به اینکه جوانان کنشگران فعال

1. Sabatini
2. Blake

در عرصه دگرگونی‌های اجتماعی‌اند، انتظار می‌رود با توجه به مخاطرات جدی و تخریب‌کننده‌ای که گریبان‌گیر محیط‌زیست در جامعه امروزی است، رفتار سنجیده و مناسبی انجام شود که بتواند شرایط لازم را برای ترویج رفتار زیست‌محیطی مطلوب در جامعه فراهم کند و بنیان‌گذار جریان آگاه‌سازی و جنبش اجتماعی مثبت در حوزه محیط‌زیست باشد؛ به همین دلیل و با توجه به اهمیت حفظ محیط‌زیست، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی وضعیت رفتارهای زیست‌محیطی مخرب این گروه اجتماعی (جوانان) بپردازد. درواقع، هدف کلی این پژوهش تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران بود.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

نبوی و مختاری هشی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌های تهرانی» انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین سرمایه فرهنگی خانواده‌ها و رفتار زیست‌محیطی آنان رابطه مستقیم وجود دارد، اما در رابطه با خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و تجسم‌یافته اثر مستقیم بر رفتارهای زیست‌محیطی خانواده دارند و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده فاقد اثر مستقیم بر رفتار زیست‌محیطی است. در مجموع، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، سن و مدت اقامت در محله، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌ها داشته‌اند. کیانی سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهروندان کاشان)» به این نتایج دست یافتند: بین عوامل سرمایه فرهنگی، هویت اجتماعی-فرهنگی و همبستگی اجتماعی با حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه بین مشارکت اجتماعی و آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی درباره مسائل

زیست محیطی و حفظ محیط زیست معنادار است. آقایاری هیر، هنرور و علیزاده اقدام (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش واسطه‌ای مصرف‌گرایی در ارتباط بین مادی‌گرایی و ردپای اکولوژیک (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه)» به این نتایج دست یافتند که متغیرهای مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اثر مثبت و معناداری بر میزان ردپای اکولوژیک مصرف در بین شهروندان شهر ارومیه دارد. میرفردی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی)» به این نتایج دست یافتند که رفتار محیط‌زیستی با متغیرهای احساس مسئولیت اجتماعی، نگرش زیست محیطی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد. در واقع، نتیجه پژوهش بیان می‌کند که باورداشت‌ها و نگرش‌های افراد که نشانگر شرایط اجتماعی شدن آن‌هاست، نقش مهمی در رفتارهای زیست محیطی آن‌ها دارد. نواح و فروتن کیا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)» به این نتایج دست یافتند که بین متغیرهای سن، جنس و تحصیلات با رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دین‌داری و ارزش‌های زیست محیطی و ارزش‌های زیست محیطی با رفتار زیست محیطی نیز معنادار است، ولی متغیر دین‌داری با رفتار زیست محیطی رابطه معنادار ندارد.

آسیلسویا و اوکاتی^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رفتار محیط‌زیستی به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی شهروندی بوم‌شناختی» به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های عمومی بر نگرش‌های محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند. این نگرش‌های محیط‌زیستی بر آگاهی و دانش محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند و در نتیجه آگاهی از مشکلات محیط‌زیستی، فرد متعهد می‌شود که سطح مشخصی از رفتارهای محیط‌زیستی را انجام دهد. اداره کل محیط‌زیست کمیسیون

1. Asilsoy & Oktay

اروپا^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی با «عنوان نگرش شهروندان اروپایی به محیط زیست (مطالعه میدانی)» انجام داد. براساس یافته‌ها، نگرش، درک شهروندان از محیط زیست و مسائل مربوط به محیط زیست مثبت است و با سرمایه‌های فرهنگی و شاخص‌های شهرنشینی ارتباط مثبت دارد. گرایمته^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «اثرات آموزش‌های زیست‌محیطی بر جوانان و آگاهی‌های زیست‌محیطی» به بررسی اثرات آموزش محیط‌زیست بر آگاهی زیست‌محیطی جوانان در کاهش آلودگی زیست‌محیطی پرداختند. نتایج نشان داد، ارتقای آموزش زیست‌محیطی می‌تواند دانش و آگاهی‌های زیست‌محیطی جوانان را افزایش دهد و آلودگی‌های زیست‌محیطی همانند آلودگی در چرخه آب را تقلیل دهد. اکسن و کورانی^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اجتماعی و رفتارهای فرامحیطی: لایه‌های بازتابی چارچوب تأثیر» نشان دادند که نفوذ اجتماعی از طریق لایه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد اثر بگذارد؛ به‌عنوان نمونه، آگاهی تحت تأثیر گسترش اطلاعات کارکردی ارتقا می‌یابد و مصرف‌کنندگان با افزایش آگاهی خود به ارزیابی فناوری و منافع آن می‌پردازند. با این آگاهی، نگرش‌ها و رفتار افراد در محیط‌زیست و درباره محیط‌زیست شکل می‌گیرد.

لیدلی^۴ (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان «تأثیر طبقه و متغیرهای فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی» در شهر ماساچوست و بر داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق آژانس‌های مختلف ایالتی انجام شد. وی به این نتیجه رسید که طبقه اجتماعی تأثیر معناداری بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان همچون بازیافت و استفاده نکردن از خودروهای شخصی دارد.

نتایج حاصل از مطالعه پیشینه تجربی نشان می‌دهد که رفتارهای زیست‌محیطی معلول عوامل متفاوتی است که بین این عوامل نیز رابطه وجود دارد. با مروری بر پژوهش‌های

1. European Commission, Directorate –General for Environment

2. Grimmette

3. Axsen & Kurani

4. Laidley

پیشین درمی‌یابیم، پژوهش حاضر از لحاظ جامعه آماری بررسی شده در داخل کشور تازگی دارد. در واقع، با توجه به منابع قابل‌دسترس چنین به نظر می‌رسد که در زمینه تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی در بین جوانان در شهر تهران، پژوهشی انجام نشده است. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده در زمینه رفتارهای زیست‌محیطی محسوب شود.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق: جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی

در باره مطالعه نظری رفتارهای زیست‌محیطی هر چند به صورت محدود در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی محیط‌زیست بحث شده است، اما تحول نظری و کاربردی آن را می‌توان به ظهور «پارادایم نوین زیست‌محیطی»^۱ نسبت داد. دانلپ^۲ و ون‌لیر^۳ در اواسط دهه ۱۹۷۰ پارادایم نوین زیست‌محیطی را مطرح کردند. آنان در بررسی‌های خود دریافتند که همراه با ظهور محیط‌زیست‌گرایی، چالش‌هایی برای دیدگاه‌های مردم به‌ویژه در آمریکا و اروپا درباره طبیعت و رابطه انسان با آن به وجود آمده است (کایزر^۴، ولفینگ^۵ و فاهرر^۶، ۱۹۹۹، به نقل از ملکی، صالحی و کریمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴). آن‌ها این چالش را به‌عنوان تمایز میان پارادایم پیشین (استثنایی دانستن انسان) و پارادایم نوین زیست‌محیطی مطرح کردند (هانینگان^۷، ۱۳۹۲، ص. ۴). مفهوم‌سازی آن‌ها در مورد پارادایم نوین زیست‌محیطی حول عقایدی درباره توانایی انسان در به هم ریختن تعادل طبیعت، وجود محدودیت‌هایی برای رشد جوامع انسانی و حق انسان برای حکمرانی بر طبیعت متمرکز است. گزاره اصلی پارادایم نوین زیست‌محیطی این است که هر جامعه‌ای پارادایم اجتماعی غالبی دارد که

1. New Environmental Paradigm (NEP)
2. Dunlap
3. Van Liere
4. Kaiser
5. Wolfing
6. Fuhrer
7. Hannigan

براساس تجربه بنا شده، در ارزش‌ها تجلی یافته و به رفتار واقعی مرتبط است. مشخصه پارادایم اجتماعی غالب که طی قرن‌های متعدد در جامعه غربی رشد یافته است، پارادایم معافیت بشر است (آرکری^۱، یوهانسن^۲ و اسکولای^۳، ۱۹۸۶، صص. ۴۰-۳۵). از نظر ساتن^۴، ایده معافیت بشر از آنجا گسترش یافت که صنعتی شدن انسان‌ها را به پرواز بر فراز زمین و سفر به زیر اقیانوس‌ها قادر ساخت و آن‌ها توانستند بر تمام محدودیت‌هایی که ظاهراً به علت طبیعتشان بر آن‌ها تحمیل شده بود، پیروز شوند. هم‌زمان با رشد شهرنشینی که تماس با طبیعت را کاهش داد، زندگی انسان در ظاهر به‌طور فزاینده‌ای مستقل از دنیای مادی شد. برای مدت زیادی این‌طور به نظر می‌رسید که پیشرفت فناورانه انسان به معنی معافیت او از قوانین طبیعی است (ساتن، ۱۳۹۲، ص. ۷۴). کاتون^۵ و دانلاپ (۱۹۸۰) در راستای پارادایم نوین زیست‌محیطی منکر این نبودند که نوع بشر ویژگی‌های خاصی دارد، ولی این موضوع را نیز قبول نداشتند که چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود تا گونه‌های انسانی از محدودیت زیست‌محیطی مستثنا شوند. در همین راستا، کاتون و دانلاپ بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال‌رشد زیست‌محیطی نه‌تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی نیز نتایج مهمی به بار خواهد آورد. این رویکرد عرصه جدیدی را در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که محیط‌زیست را به اندازه فرایندهای سیاسی و اقتصادی، برای درک شرایط اجتماعی ضروری می‌داند. پارادایم نوین زیست‌محیطی، نوع بشر را فقط به‌عنوان جزئی از یک اکوسیستم بزرگ‌تر معرفی می‌کند و معتقد است که امور انسانی تحت تأثیر طبیعت و جامعه قرار می‌گیرد؛ به همین ترتیب، محیط بیوفیزیک، محیط مادی برای کنش انسانی ایجاد می‌کند (ایروین^۶، ۲۰۰۱، به نقل از نصرتی‌نژاد، سراج‌زاده و دیهول،

1. Arcury
2. Johnson
3. Scollay
4. Sutton
5. Catton
6. Irwin

۱۳۹۸، ص. ۴). درباره‌ی جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی به‌نوعی می‌توان در راستای پارادایم نوین زیست‌محیطی بحث کرد؛ هرچند در دیگر دیدگاه‌ها نیز درمورد آن نظریه‌پردازی شده است. رابطه بین محیط‌زیست و رفتارهای انسان بنیاد جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی است که بر مبنای آن به تبیین عواملی پرداخته می‌شود که رفتارهای زیست‌محیطی انسان‌ها را شکل می‌دهند. فیتکائو^۱ و کسل^۲ (۱۹۸۱) در نظریه خود درباره رفتار زیست‌محیطی پنج عامل را در تعیین رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر می‌دانند: اول، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد درمورد مسائل زیست‌محیطی است؛ دوم، امکانات برای رفتار زیست‌محیطی است که شامل عوامل بیرونی، زیربنایی و اقتصادی است که افراد را قادر به در پیش گرفتن رفتارهای زیست‌محیطی می‌سازد یا از تحقق آن ممانعت می‌کند؛ سوم، مشوق‌های رفتاری است که عموماً شامل عواملی می‌شود که می‌توانند از رفتارهای زیست‌محیطی حمایت کرده یا آن‌ها را تقویت کنند (مانند مطلوبیت اجتماعی، کیفیت زندگی و پس‌انداز مالی)؛ چهارم، پیامدهای ادراک‌شده درمورد رفتارهای زیست‌محیطی است که براساس آن فرد باید درکی مثبت از تداوم رفتار زیست‌محیطی دریافت کند. این بازخورد می‌تواند درونی (مانند رضایت از انجام کارهای مطلوب) یا بیرونی باشد (مانند نریختن زباله در خیابان، بازیافت خانگی زباله، دریافت پول برای بطری‌های جمع‌آوری شده)؛ پنجم، دانش است که در مدل فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) بر رفتار زیست‌محیطی تأثیر مستقیم ندارد، اما می‌تواند سبب تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها شود و از این طریق بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیر بگذارد (کولموس^۳ و آیژمن^۴، ۲۰۰۲، ص. ۲۴۶).

1. Fietkau
2. Kessel
3. Kollmuss
4. Agyeman

هاینس^۱ (۱۹۸۷) با همکاری هانگرفورد^۲ و تومرا^۳ نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه را ارائه کرد. طبق نظریه آنان، شش متغیر بر رفتارهای زیست محیطی افراد تأثیرگذار هستند: اول، دانش درباره مسائل است. افرادی که با مشکلات زیست محیطی و دلایل رخ دادن آنها آشنا هستند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز دارند؛ دوم، دانش درباره استراتژی‌های فعالیت است. افرادی که درباره استراتژی‌ها و راهبردهای عمل کردن در راستای کاهش آثار مسائل زیست محیطی آگاهی دارند، رفتارهای زیست محیطی خود را نیز در این راستا تنظیم می‌کنند؛ سوم، حوزه کنترل است. این متغیر در این باره است که افراد بتوانند به این بینش برسند که توان و قدرت ایجاد تغییرات از طریق رفتارهای زیست محیطی خودشان را دارند و می‌توانند بر محیط تأثیرگذاری مثبت داشته باشند. هرچه این بینش در افراد بیشتر باشد، احتمالاً رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت، چهارم، نگرش است. افرادی که دارای نگرش زیست محیطی قوی تری هستند، احتمالاً رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت؛ پنجم، تعهدات شفاهی است. افرادی که به صورت شفاهی و در زندگی روزمره ابراز تمایل می‌کنند که به محیط زیست احترام می‌گذارند و مسائل زیست محیطی برایشان مهم است، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند. در نهایت، احساس مسئولیت پذیری متغیر دیگری است که بر رفتار زیست محیطی افراد تأثیرگذار است. افرادی که در زندگی روزمره خود و به مسائل مرتبط با محیط زیست مسئولیت پذیری بیشتری دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت (هاینس، هانگرفورد^۴ و تومرا^۵، ۱۹۸۷، صص. ۸-۱).

1. Hines
2. Hungerford
3. Tomera
4. Hungerford
5. Tomera

بوردن^۱ و فرانکیس^۲ (۱۹۷۸) در نظریه خود درباره رفتارهای زیست محیطی نوع دوستانه سه متغیر را در رفتارهای زیست محیطی مهم می دانند: خودخواهی، جهت گیری رقابتی و نیاز شخصی. افرادی که خودخواهی شدید و جهت گیری رقابتی در مسائل اجتماعی و زندگی روزمره دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه کمتری در مقایسه با افراد دگرخواه و غیررقابتی دارند. همچنین افرادی که نیازهای شخصی خودشان را بهتر می توانند برآورده کنند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند. این افراد عموماً دسترسی مناسب به منابع سرمایه ای (مانند زمان، پول، انرژی) دارند؛ به همین دلیل، دغدغه های شخصی کمتری دارند، مسائل زیست محیطی برایشان مهم تر است و در نتیجه رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند؛ بنابراین می توان براساس دیدگاه بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) گفت که دسترسی افراد به منابع سرمایه ای (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی) احتمالاً سبب خواهد شد که این افراد رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری داشته باشند.

اولاندر^۳ و توجرسون^۴ (۱۹۹۵) در نظریه خود در مورد الگوی چندگانه رفتار زیست محیطی این مسئله را طرح می کنند که در بررسی رفتارهای زیست محیطی افراد باید عوامل انگیزشی، توانمندی و فرصت را به صورت هم زمان در نظر بگیریم. عوامل انگیزشی شامل باورهای افراد به مسائل زیست محیطی (که بر نگرش آنان تأثیرگذار است) و هنجارهای اجتماعی و نگرش (که بر نیت افراد برای درپیش گرفتن رفتار زیست محیطی خاص تأثیرگذار است) می شود. توانمندی مرتبط با دانش و عادت های افراد در مورد مسائل زیست محیطی است. در نهایت هر فرد به فرصت هایی نیاز دارد تا بتواند به رفتارهای

-
1. Borden
 2. Francis
 3. Ölander
 4. Thøgersen

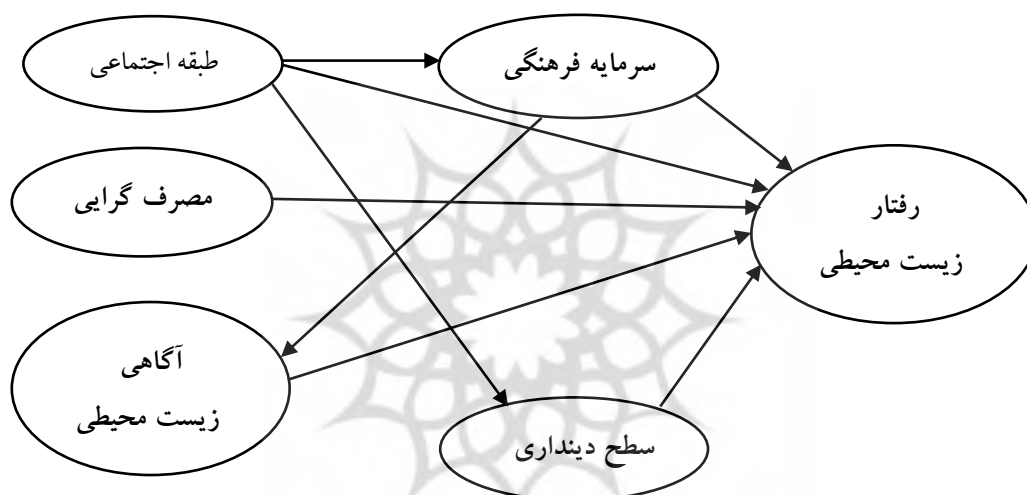
زیست محیطی مسئولانه‌ای داشته باشد. فرصت، پیش شرط‌های عینی برای رفتار زیست محیطی است (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵، صص. ۳۶۰-۳۶۵، به نقل از پیٹیکاینن^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۵). بلیک (۱۹۹۹) این نظریه را مطرح می‌کند که سه عامل در رفتارهای زیست محیطی افراد نقش دارند: فردگرایی، مسئولیت پذیری و عمل گرایی. فردگرایی شامل عواملی می‌شود که بر شخص متکی بوده و به نگرش و خلق و خوی وی مرتبط است. وی معتقد است، این موانع در افرادی که نگرانی و دغدغه زیست محیطی چندانی ندارند، تأثیرگذارتر است. این نیازهای شخصی افراد است که رفتارهای زیست محیطی آنان را تعیین می‌کند؛ برای نمونه، نیاز یک فرد به پرواز از آمریکا به اروپا برای ملاقات خانواده‌اش سبب می‌شود که به حس مسئولیت پذیری به آلودگی آب و هوایی بی توجهی کند؛ دومین عامل، مسئولیت پذیری است. افرادی که رفتارهای زیست محیطی مناسب ندارند، احساس می‌کنند که توان و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و موقعیت‌های زیست محیطی را ندارند و به همین دلیل مسئولیتی به محیط زیست احساس نمی‌کنند. وی این مسئله را مطرح می‌کند که فقدان اعتماد نهادی (و به طور کلی سرمایه اجتماعی) سبب رفتارهای زیست محیطی غیرمسئولانه شده است؛ زیرا افراد به نهادها و دولت‌ها اعتماد ندارند و سیاست‌های زیست محیطی آن‌ها را مشکوک ارزیابی می‌کنند؛ سومین عامل، عمل گرایی است. عمل گرایی الزامی اجتماعی و نهادی است که افراد را از رفتارهای زیست محیطی بدون توجه به نگرش‌ها و نیت‌های آنان باز می‌دارد. فقدان زمان، فقدان پول و سرمایه اقتصادی، کمبود اطلاعات و... از جمله این الزامات هستند (کولوموس و آیژمن، ۲۰۰۲: ۲۴۷).

جدول ۱. فرضیات پژوهش و منابع نظری آنها

عنوان فرضیه	منبع نظری فرضیه	توضیح ارتباط نظریه و فرضیه
طبقه اجتماعی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی (بلیک، ۱۹۹۹) نظریه رفتارهای زیست محیطی (فیتکائو و کسل، ۱۹۸۱)	بلیک (۱۹۹۹) معتقد است پول و سرمایه اقتصادی (شاخصه‌هایی از طبقه اجتماعی) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار هستند. فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) نیز معتقدند که منابع مالی و غیرمالی افراد (شاخصه‌های طبقه اجتماعی) بر رفتارهای زیست محیطی آنان تأثیرگذار است.
مصرف‌گرایی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه (هاینس و همکاران، ۱۹۸۷) نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵)	هاینس و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند، افرادی که به حفظ محیط زیست مسئولیت پذیر هستند (مصرف‌گرایی کمتری دارند)، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت. مصرف‌گرایی رفتاری در تضاد با مسئولیت پذیری زیست محیطی محسوب می‌شود. همچنین اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) معتقدند که عادت‌های افراد (از جمله مصرف‌گرایی) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است.
سطح دین داری بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی (فیتکائو و کسل، ۱۹۸۱) نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵)	فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) معتقدند که ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است. دین داری را می‌توان منظومه‌ای از این ارزش‌ها و نگرش‌ها دانست. با توجه به فقدان نظریه‌ای برای تبیین تأثیرگذاری دین داری بر رفتارهای زیست محیطی می‌توان از این نظریه استفاده کرد. اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) نیز معتقدند که باورهای افراد (از جمله دین داری) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است.
سرمایه فرهنگی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی نوع دوستانه (بوردن و فرانکیس، ۱۹۷۸)	بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) معتقدند که هرچه افراد به منابع سرمایه‌ای دسترسی بیشتری داشته باشند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری خواهند داشت. سرمایه فرهنگی نیز یکی از این منابع سرمایه‌ای در کنار سرمایه اجتماعی و اقتصادی است.
آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی	نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه (هاینس و همکاران	هاینس و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند، افرادی که با مشکلات زیست محیطی و دلایل رخ دادن آنها آشنا هستند (آگاهی

عنوان فرضیه	منبع نظری فرضیه	توضیح ارتباط نظریه و فرضیه
تأثیرگذار است.	(۱۹۸۷)	زیست محیطی سطح بالایی دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز دارند.

با توجه به نظریه‌های ارائه شده و مطالعات پیشین، مدل مفهومی تحقیق حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایش انجام شده است. این پژوهش با توجه به معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش، افراد ۱۸ تا ۳۵ سال شهر تهران در زمان مطالعه بودند. براساس آخرین آمار مربوط به سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۵۸۲۲۵۸ نفر است. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power و با مدنظر قرار دادن معیارهایی از جمله درصد خطا (۵ درصد)، توان آزمون (بیشتر از ۸۰ درصد)، حجم اثر شاخص ضریب تعیین (کمتر از

۵ درصد) و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل ۴۵۳ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. این تحقیق افراد خاصی را برای تکمیل پرسشنامه و آزمون متغیرهای خود در نظر گرفته است؛ به طوری که افراد واجد شرایط باید خصوصیات و ویژگی‌های خاصی داشته باشند؛ بنابراین نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای این تحقیق به نظر مناسب است.

میرزایی، احمدی و لرستانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف ارزیابی و تحلیل سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران براساس ۳۲ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و خدماتی و تفریحی مناطق شهر تهران را به مناطق به شرح جدول ۲ دسته‌بندی کرده‌اند.

جدول ۲. خوشه‌بندی مناطق کلان‌شهر در عامل‌های تلفیقی

مأخذ: تلخیص از میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴

درصد	منطقه	شرح
۵	۶	فرا توسعه یافته
۱۸	۷، ۲، ۱، ۳	توسعه یافته رو به بالا
۱۸	۱۳، ۴، ۵، ۱۱	نیمه برخوردار
۵۵	۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸	توسعه یافته رو به پایین
۵	۱۷	منطقه محروم

در پژوهش حاضر از بین مناطق دسته‌بندی شده در جدول ۲، منطقه ۶ به عنوان تک منطقه فراتوسعه یافته، منطقه ۱۰ از بین مناطق کمتر توسعه یافته، منطقه ۱۷ به عنوان تک منطقه محروم، منطقه ۱۳ از بین مناطق نیمه برخوردار و منطقه ۲ از میان مناطق توسعه یافته انتخاب و مطالعه شدند. با توجه به حجم جمعیت هریک از مناطق مورد مطالعه به آن‌ها نمونه اختصاص داده شد. در جدول ۳ حجم جمعیت و نمونه هریک از این مناطق گزارش شده است.

جدول ۳. حجم جمعیت ۱۸ تا ۳۵ سال و نمونه آماری مناطق مطالعه شده

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵

منطقه	جمعیت	حجم نمونه
دو	۲۱۶۷۷۶	۱۶۹
شش	۸۴۸۶۶	۶۶
ده	۱۱۰۸۵۶	۸۶
سیزده	۷۷۶۵۶	۶۰
هفده	۹۲۱۰۴	۷۲

۳.۱. تعریف مفهوم و عملیاتی متغیرها

این قسمت به تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش در مدل نظری شامل متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش اختصاص یافته است. براساس مدل نظری پژوهش متغیرهای مستقل شامل طبقه اجتماعی، مصرف‌گرایی، سطح دین‌داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی است. متغیر وابسته پژوهش نیز رفتار زیست‌محیطی است.

۳.۱.۱. رفتار زیست‌محیطی

رفتار زیست‌محیطی^۱ امین کنش ارادی فرد، یا گروه است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تغییراتی در محیط‌زیست منجر می‌شود یا اینکه برای محیط‌زیست مفید یا مضر است (حمایت‌خواه، ارشاد، دانش و قربانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴). به‌منظور سنجش متغیر رفتار زیست‌محیطی در این پژوهش، بیشتر رفتارهایی مدنظر است که برای محیط‌زیست مضر است؛ از قبیل رها کردن زباله‌های در جنگل، ساحل و...، تبدیل یک باغ به سینما، یادگاری نوشتن روی درخت، روشن کردن آتش در جنگل و... در واقع، برای سنجش این مفهوم از ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاس پنج‌گزینه‌ای شامل کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق

(۵) استفاده شده است. موافقت با این گویه‌ها بیانگر رفتار غیرمسئولانه در قبال محیط زیست و مخالفت با آن‌ها نشان‌دهنده رفتار محیط‌گرایانه یا مسئولانه در قبال محیط زیست است.

۳. ۱. ۲. طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه گفته می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد (کوئن، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۸). در این پژوهش عضویت در طبقه اجتماعی به‌عنوان جایگاه فرد برحسب میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی به‌صورت یک شاخص ترکیبی تعریف شده است. در طبقه اجتماعی، ملاک تشخیص نوع طبقه اجتماعی فرد، میزان بهره‌مندی او از معیاری عینی و ذهنی طبقه یعنی تحصیلات، درآمد، شغل، پایگاه اجتماعی و... در نظر گرفته شده است.

۳. ۱. ۳. سرمایه فرهنگی

بورديو معتقد است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل متجسد^۱ یا تجسم‌یافته (تمایلات و گرایش‌های روانی فرد به استفاده از کالای فرهنگی یا به عبارتی سلیقه فرهنگی)، عینیت‌یافته^۲ (میزان مصرف کالاهای فرهنگی‌ای چون کتاب‌ها، کامپیوتر، هنر و...) و نهادینه‌شده^۳ (مدارک واقعی یا شواهد پایگاه‌های علمی-فرهنگی مثل مدارک تحصیلی) وجود داشته باشد (تاجبخش، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷). مبنای تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی در پژوهش حاضر تعریف بورديو از این مفهوم است. در واقع، در این پژوهش سرمایه فرهنگی با سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (ذهنی) عینیت‌یافته (عینی) و نهادی‌شده (ضابطه‌ای) با استفاده از ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاسی پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است.

1. Embodied

2. Objectified

3. Presuppositions

۳.۱.۴. مصرف‌گرایی

کاربریل و لانگ^۱ (۱۹۹۵) بر این عقیده‌اند که مصرف‌گرایی به زندگی‌ای اشاره دارد که در حد وسیعی با مصرف عجین شده است. مایلس^۲ (۱۹۹۸) مصرف‌گرایی را وجوه فرهنگی عمل شایع مصرف تعریف کرده است (علیخواه، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۳). گدازگر^۳ برای مصرف‌گرایی چهار بعد فرد محوری، کثرت‌گرایی، لذت‌گرایی و تخیل‌گرایی در نظر گرفته است (گدازگر، ۲۰۰۷، صص. ۳۸۹-۴۱۸). در این پژوهش متغیر مصرف‌گرایی در راستای چهار بعد فردمحوری، کثرت‌گرایی، لذت و تجمل‌گرایی و تخیل‌گرایی با استفاده از ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت و یک مقیاس پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است. مخالفت با این گویه‌ها نشان‌دهنده مصرف‌گرایی کم و موافقت با آنها بیانگر مصرف‌گرایی زیاد است.

۳.۱.۵. دین‌داری

دین‌داری عبارت است از وضعیت اعتقادی، احساسی، ادراکی، عاطفی انسان در مواجهه با امور قدسی که ابعاد مختلفی چون اعتقادی، مناسکی، اخلاقی و رفتاری را در برمی‌گیرد (حجازی و حیدرخانی ۱۳۹۱: ۱۳۴). برای سنجش سطح دین‌داری در این تحقیق، از مدل معروف گلاک و استارک^۴ استفاده شده است. در پژوهش حاضر دین‌داری افراد با استفاده از پنج بعد شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، مناسکی، دانشی و پیامدی و ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاسی پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است.

۳.۱.۶. آگاهی زیست‌محیطی

از نظر مفهومی، آگاهی زیست‌محیطی بر میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست‌محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار به‌منظور بهبود

1. Gabriel. & Lang

2. Miles

3. Godazgar

4. Glock and Stark

معضلات آن دلالت دارد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). برای اندازه‌گیری متغیر آگاهی زیست محیطی از دو بعد آگاهی زیست محیطی عام و خاص و ۲۰ گویه در قالب یک طیف دوجهی با گزینه درست (بلی) و نادرست (خیر) استفاده شد. کسب نمره زیاد، نشان‌دهنده آگاهی زیست محیطی مطلوب و کسب نمره کم، بیانگر آگاهی زیست محیطی نامطلوب یا ضعیف است.

۲.۳. اعتبار و پایایی

برای بررسی اعتبار ابزار سنجش متغیرهای پژوهش از روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) و اعتبار سازه (رویکرد تحلیل عاملی تأییدی) و شاخص‌های مرتبط با این رویکرد شامل اعتبار همگرا^۱ (شاخص متوسط واریانس استخراج شده)^۲ و اعتبار ممیز^۳ (بارهای عاملی متقاطع^۴، معیار فورنل و لارکر^۵ و شاخص خصیصه متفاوت-خصیصه یکسان^۶) استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی ابزار سنجش متغیرهای اصلی پژوهش نیز با توجه به تکنیک‌های رایج سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ^۷ استفاده شد. در جدول ۴ برآورد مقادیر مربوط به شاخص AVE و ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده است.^۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Convergent Validity
2. Average Variance Extracted
3. Discriminant Validity
4. Cross loadings
5. Fornell & Larcker
6. Hetero-Trait Mono-Trait Ratio
7. Cronbach's Alpha

۸. مقادیر مربوط به شاخص‌های اعتبار ممیز به دلیل حجم زیاد جداول مربوط به این شاخص‌ها در متن مقاله گزارش نشده است.

جدول ۴. برآورد مقادیر مرتبط با شاخص AVE، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۱

متغیر	ابعاد	AVE	ضریب آلفای کرونباخ
مصرف‌گرایی	فردمحوری	۰/۵۲	۰/۷۲
	کثرت‌گرایی	۰/۵۰	۰/۷۰
	لذت و تجمل‌گرایی	۰/۵۱	۰/۸۱
	تخیل‌گرایی	۰/۵۰	۰/۸۰
سطح دین‌داری	اعتقادی	۰/۵۰	۰/۸۲
	عاطفی	۰/۷۷	۰/۸۵
	پیامدی	۰/۵۸	۰/۷۶
	مناسکی	۰/۷۱	۰/۸۶
	دانشی	۰/۷۶	۰/۸۴
سرمایه فرهنگی	تجسم‌یافته	۰/۵۹	۰/۷۰
	عینیت‌یافته	۰/۵۰	۰/۸۵
	نهادینه‌شده	۰/۵۳	۰/۷۰
رفتار زیست‌محیطی	-	۰/۵۰	۰/۸۶

با توجه به مقادیر جدول ۴، شاخص AVE بر مطلوبیت اعتبار هم‌گرایی ابزار سنجش متغیرهای پژوهش دلالت دارد. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ نیز گویای دقت اندازه‌گیری ابزار سنجش متغیرهای پژوهش و به عبارت دیگر پایابودن ابزار این متغیرهاست.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. یافته‌های توصیفی

در این قسمت ابتدا برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی، توصیفی از نمونه آماری پژوهش ارائه شده و در ادامه متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) توصیف شده‌اند.

۱. درباره متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست‌محیطی باید گفت، به دلیل ماهیت ساختی این متغیرها امکان گزارش مقادیر ضریب آلفای کرونباخ، شاخص AVE و شاخص‌های مربوط به اعتبار ممیز وجود ندارد.

توزیع نمونه آماری پژوهش برحسب متغیر جنس بیانگر این است که ۳۶/۹ درصد از نمونه آماری پژوهش را زنان و ۶۳/۱ درصد را مردان تشکیل دادند. سن نمونه آماری پژوهش از حداقل ۱۸ تا حداکثر ۳۵ سال و میانگین سن آن‌ها ۲۳ سال بود. توزیع نمونه آماری برحسب سن گویای این است که ۰/۲ درصد از نمونه آماری پژوهش بی‌سواد بودند. ۱۳/۷ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۵/۴ درصد دیپلم، ۱۰ درصد فوق‌دیپلم، ۲۷/۹ درصد کارشناسی، ۱۰/۸ درصد کارشناسی‌ارشد و ۲ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. برحسب منطقه سکونت نیز باید گفت ۳۷/۵ درصد از نمونه آماری پژوهش ساکن منطقه ۲، ۱۴/۶ درصد منطقه ۶، ۱۳/۲ درصد منطقه ۱۰، ۱۹ درصد منطقه ۱۳ و ۱۵/۷ درصد ساکن منطقه ۱۷ بودند.

جدول ۵. توصیف متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی

منحصر	نوع متغیر	شاخص			
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی
مصرف‌گرایی	مستقل	۳/۲۵	۰/۵۸	۰/۳۴	-۰/۰۸
سطح دین‌داری	مستقل	۳/۳۰	۰/۷۹	۰/۶۳	-۰/۴۰
سرمایه فرهنگی	مستقل	۳/۲۸	۰/۶۹	۰/۴۸	-۰/۲۱
آگاهی زیست‌محیطی	مستقل	۱۲/۶۸	۲/۳۴	۵/۵۹	-۰/۳۷
رفتار زیست‌محیطی	وابسته	۲/۱۸	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۶۵

مقادیر جدول ۵ نشان می‌دهد: الف. میانگین متغیرهای مستقل پژوهش از جمله مصرف‌گرایی، سطح دین‌داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی بیشتر از حد متوسط برآورد شده است؛ یعنی میزان مصرف‌گرایی، سطح دین‌داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی نمونه آماری پژوهش در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارد؛ ب. درباره متغیر وابسته پژوهش باید گفت، میانگین متغیر رفتارهای زیست‌محیطی کمتر از حد متوسط است.

درواقع، با توجه به سنجش متغیر رفتارهای زیست محیطی می توان گفت وضعیت این متغیر در بین نمونه آماری پژوهش نسبتاً مطلوب است.

۲.۴. یافته های استنباطی

این قسمت به طور مشخص به آزمون فرضیه پژوهش یا به عبارت دقیق تر برآزش مدل نظری پژوهش اختصاص دارد. به منظور برآزش مدل مذکور از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری کواریانس محور استفاده شد. قبل از اجرای مدل سازی معادله ساختاری ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه و گزارش شده است.

جدول ۶. برآورد مقادیر ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	طبقه اجتماعی	دین داری	مصرف گرایی	سرمایه فرهنگی	آگاهی زیست محیطی
دین داری	۰/۰۶				
مصرف گرایی	۰/۰۲	۰/۰۶			
سرمایه فرهنگی	۰/۴۰**	۰/۰۳	۰/۱۲*		
آگاهی زیست محیطی	۰/۱۱	۰/۱۰*	-۰/۱۰*	۰/۰۳	
رفتارهای زیست محیطی	-۰/۰۹*	۰/۲۰**	۰/۳۸**	۰/۰۳	-۰/۲۱**

مقادیر مربوط به برآورد ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۶ نشان می دهد: الف. بین متغیرهای طبقه اجتماعی، سطح دین داری، مصرف گرایی و آگاهی زیست محیطی با متغیر رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد ($Sig < ۰/۰۵$). با توجه به مقدار ضریب پیرسون رابطه متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست محیطی با این متغیر معکوس و رابطه متغیرهای سطح دین داری و مصرف گرایی با این متغیر مستقیم است؛ ب. رابطه بین متغیر سرمایه فرهنگی با رفتارهای زیست محیطی معنادار نیست.

شایان ذکر است، اجرای مدل سازی معادله ساختاری کواریانس محور مستلزم پیش فرض هایی از جمله حجم بهینه نمونه، بررسی موارد پرت چندمتغیره، توزیع نرمال چندمتغیره و واریانس هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش است. در این پژوهش نیز

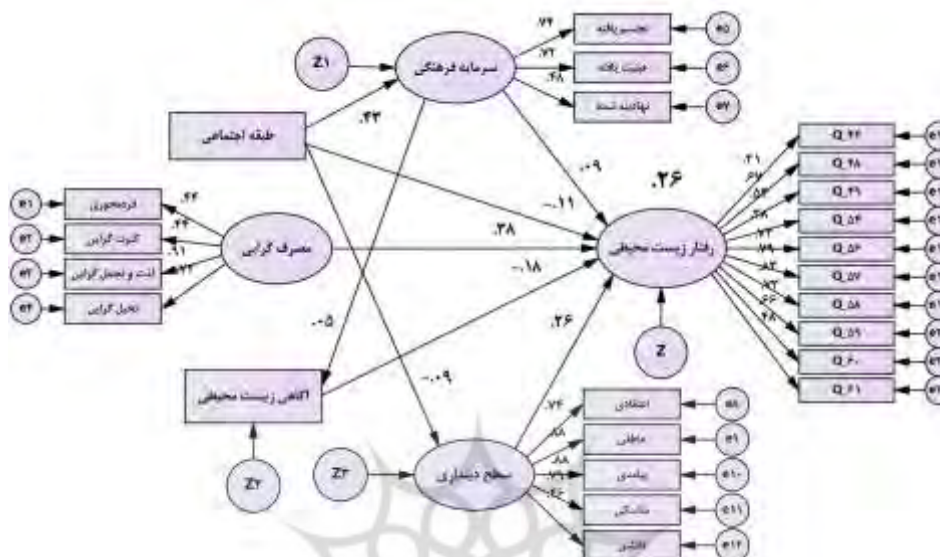
نخست با در نظر گرفتن میزان پیچیدگی مدل و حد زیاد نسبت حجم نمونه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و پارامترهای آزاد (نسبت ۲۰ به ۱)، فرض بر این گذاشته شد که حجم نمونه ۴۵۳ نفر برای انجام مدل سازی کفایت لازم را دارد؛ دوم، برای شناسایی و حذف موارد پرت چندمتغیره از شاخص فاصله شاخص فاصله ماهالونویس^۱ استفاده شد؛ سوم، برای بررسی توزیع نرمالیتی چندمتغیره ضریب مردیا^۲ محاسبه شد. همچنین برای واریانس هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل پژوهش دو شاخص عامل تورم واریانس^۳ و شاخص تحمل^۴ مدنظر قرار گرفت. در جدول ۷ برآوردهای مربوط به این دو شاخص گزارش شده است.

جدول ۷. برآورد مقادیر شاخص های هم خطی چندگانه متغیرهای مستقل

متغیر	Tolerance	VIF
طبقه اجتماعی	۰/۷۲	۱/۳۸
مصرف گرایی	۰/۹۸	۱/۰۲
سطح دین داری	۰/۹۸	۱/۰۲
سرمایه فرهنگی	۰/۷۳	۱/۳۷
آگاهی زیست محیطی	۰/۹۶	۱/۰۴

در ادامه برآوردهای مربوط به مدل سازی معادله ساختاری شامل شاخص های برازش کلیت مدل و پارامترهای اصلی (اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) در شکل ۲ و جداول ۸ و ۹ ارائه شده است.

1. Mahalanobis Distance
2. Mardia
3. VIF (Variance Inflation Factor)
4. Tolerance



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر رفتار زیست محیطی

جدول ۸. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هلا تر	برآزش مقتصد			برآزش تطبیقی			برآزش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۸۲	۰/۰۶	۲/۸۷	۲۴۶	۰/۷۹	۰/۹۰	۰/۸۸	۰/۹۰	۷۰۶/۷۳	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود؛ به عبارت دیگر، برآزش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۹. برآورد اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر رفتار زیست محیطی

برآورد				ضریب تعیین	متغیر وابسته	میانجی	متغیر مستقل
غیرمستقیم		مستقیم					
مقدار معناداری	بتا	مقدار معناداری	بتا				
۰/۴۵۱	۰/۰۴	۰/۰۴۷	-۰/۱۱	۰/۲۶	رفتار زیست محیطی	سرمایه فرهنگی	طبقه اجتماعی
۰/۰۱۳	-۰/۰۲		سطح دین داری				
-	-	۰/۰۱۲	۰/۳۸			-	مصرف گرایی
-	-	۰/۰۰۵	۰/۲۶			-	سطح دین داری
۰/۶۲۵	۰/۰۱	۰/۱۴۱	۰/۰۹			آگاهی زیست محیطی	سرمایه فرهنگی
-	-	۰/۰۱۴	۰/۱۸			آگاهی زیست محیطی	

مقادیر جدول ۹ نشان می دهد: الف. ضریب تعیین برابر با $(r^2 = ۰/۲۶)$ است؛ به بیان دیگر، ۲۶ درصد از تغییرات متغیر رفتار زیست محیطی برحسب متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شدنی است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر، شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می شود؛ به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل پژوهش در حد زیاد، توان تبیین واریانس متغیر رفتار زیست محیطی را دارند؛ ب. اثر مستقیم همه متغیرهای مستقل به جز سرمایه فرهنگی شامل طبقه اجتماعی، سطح دین داری، مصرف گرایی و آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است ($p < ۰/۰۵$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر می توان گفت، اثر متغیر طبقه و آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی معکوس و در حد ضعیف و اثر متغیرهای مصرف گرایی و سطح دین داری مستقیم و در حد متوسط است؛ ج. اثر غیرمستقیم متغیر طبقه اجتماعی با میانجی گری دین داری بر رفتار زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است ($p < ۰/۰۵$)؛ بنابراین متغیر سطح دین داری در رابطه بین طبقه اجتماعی با رفتار زیست محیطی نقش میانجی ایفا می کند. با مدنظر قراردادن مقدار ضریب می توان گفت، این اثر معکوس و ضعیف است؛ این در حالی است که اثر

غیرمستقیم متغیر طبقه اجتماعی با میانجی‌گری سرمایه فرهنگی و اثر غیرمستقیم متغیر سرمایه فرهنگی با میانجی‌گری آگاهی زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی به لحاظ آماری معنادار نیست ($p > 0/05$)؛ بنابراین متغیر سرمایه فرهنگی در رابطه بین متغیر طبقه اجتماعی با رفتار زیست‌محیطی و متغیر آگاهی زیست‌محیطی در رابطه بین سرمایه فرهنگی با رفتار زیست‌محیطی نقش میانجی ایفا نمی‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به دلیل اهمیت موضوع رفتارهای زیست‌محیطی، در چند دهه اخیر تحقیقات زیادی درباره این رفتارها انجام شده است که عوامل متعدد مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی را بررسی کردند. در این پژوهش تلاش شد، از منظر جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر رفتار زیست‌محیطی جوانان شهر تهران تبیین شود.

نتایج نشان داد، در جامعه آماری مطالعه‌شده، طبقه اجتماعی در بخش کوچکی از جامعه آماری منجر به کاهش رفتارهای مضر زیست‌محیطی منجر شود. پیش فرض نظری این است که طبقات بالاتر از رفتارهای زیست‌محیطی بهتری برخوردارند. این نتایج در راستای نظریه‌های رفتارهای زیست‌محیطی بلیک (۱۹۹۹) و رفتارهای زیست‌محیطی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) است. همان‌طور که بحث شد، این نظریه‌ها بر این باور هستند که شاخصه‌های طبقه اجتماعی مانند سرمایه، پول، منابع مالی و... رفتارهای زیست‌محیطی را تعیین می‌کنند. هرچه افراد دسترسی بیشتری به این منابع داشته باشند، یعنی طبقه اجتماعی-اقتصادی بالاتری داشته باشند، رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تری دارند. در واقع، طبقات بالای جامعه کمتر به محیط‌زیست آسیب می‌زنند (در سطح خرد) و رفتارهای زیست‌محیطی مخرب و مضر آنان کمتر است. از لحاظ تجربی، یافته‌های این بخش پژوهش در راستای یافته‌های مطالعات لیدلی (۲۰۱۳)، آقایی هیر و همکاران (۱۳۹۵) و میرفردی (۱۳۹۵) است. براساس نتایج کلی این پژوهش‌ها، طبقه اجتماعی-اقتصادی بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیر معناداری دارد؛ بدین

صورت که هرچه طبقه افراد بالاتر باشد، رفتارهای مخرب زیست محیطی کمتری نیز خواهند داشت.

نتایج پژوهش نشان داد، تأثیر آگاهی زیست محیطی بر رفتارهای مضر زیست محیطی رابطه معکوس و ضعیفی دارد. آگاهی زیست محیطی در بخش کوچکی از جامعه آماری می تواند به کاهش رفتار زیست محیطی مضر منجر شود. این یافته نیز در تعامل با نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه هاینس و همکاران (۱۹۸۷) است که این ایده را طرح می کند که آگاهی زیست محیطی به رفتارهای زیست محیطی مسئولانه نیز منجر خواهد شد. نتایج پژوهش حاضر نیز مؤید همین ایده نظری بود. آگاهی زیست محیطی هنجارهای ذهنی افراد را تغییر می دهد و از این طریق بر رفتارهای زیست محیطی آنان تأثیر خواهد گذاشت. این نتایج از لحاظ تجربی در راستای یافته های مطالعات شمس و اخبار (۱۳۹۷) و گرایمته (۲۰۱۴) است، اما نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش صالحی و کریمزاده (۱۳۹۰) هماهنگی ندارد.

همچنین یافته ها نشان داد، مصرف گرایی در بین بخش زیادی از جامعه آماری می تواند به افزایش رفتارهای زیست محیطی مضر منجر شود. این یافته پژوهش با نتایج تحقیق زارع، حبیب پورگنابی و عابدینی (۱۳۹۹) و آقایاری هیر و همکاران (۱۳۹۶) که پیش بینی شده بود رابطه مثبت و معناداری بین مصرف گرایی و رفتارهای زیست محیطی وجود دارد، مطابقت دارد. از لحاظ نظری این نتیجه در تعامل با نظریه های مرسوم جامعه شناسی رفتارهای زیست محیطی مانند نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه هاینس و همکاران (۱۹۸۷) و نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) است. براساس این نظریه ها، مسئولیت پذیری در رفتارهای روزمره از جمله مصرف گرایی می تواند سبب تقویت رفتارهای زیست محیطی مسئولانه یا کاهش رفتارهای زیست محیطی مضر شود.

براساس یافته های پژوهش، در جامعه آماری مطالعه شده، سطح دین داری بر رفتار زیست محیطی تأثیر دارد؛ یعنی سطح دین داری در بین بخش کوچکی از جامعه آماری

می‌تواند به افزایش رفتارهای مضر زیست‌محیطی منجر شود. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق نواح، فروتن کیا و پورترکارونی (۱۳۹۰) که نشان داد بین دو متغیر سطح دین‌داری با رفتار زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود ندارد، همسوست، اما با نتایج تحقیق ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) که اظهار کردند ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر است، همسو نیست. همچنین از لحاظ نظری می‌توان گفت، یافته‌های این بخش پژوهش در تعامل با نظریه‌های رفتارهای زیست‌محیطی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) و رفتارهای زیست‌محیطی چندگانه اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) است. این نظریه‌ها معتقد هستند که باورها و ارزش‌های افراد (از جمله دین‌داری) بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند، اما مسئله مهم ماهیت باورها و ارزش‌هاست. در صورتی دین‌داری می‌تواند تأثیرگذاری مثبت بر رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه داشته باشد که ماهیتی ضد زیست-محیطی به خود نگیرد. برای تبیین این امر می‌توان گفت، به نظر می‌رسد افراد دین‌دار به آموزه‌های دینی در حفظ محیط‌زیست توجه نمی‌کنند؛ زیرا بخشی از کارکرد ابعاد اخلاقی و شرعی دین اسلام، توجه به محیط‌زیست است؛ در حالی که ابعاد اعتقادی و عبادی بیشتر جنبه متافیزیکی به خود گرفته‌اند و نقش کارکردی کمتری در رابطه با محیط ایفا می‌کنند.

از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد، رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی با رفتارهای زیست‌محیطی وجود ندارد و سرمایه فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد جامعه مطالعه شده تأثیر ندارد که با یافته‌های تحقیق کیانی سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) که به این نتیجه رسیدند بین سرمایه فرهنگی با حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری وجود ندارد، مطابقت دارد، اما با یافته‌های مطالعات نبوی و مختاری هشی (۱۳۹۷) و اداره کل محیط‌زیست اروپا (۲۰۱۷) همخوانی ندارد. از لحاظ نظری نیز این یافته پژوهش حاضر در تعارض با نظریه رفتارهای زیست‌محیطی نوع‌دوستانه بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) است. این نظریه معتقد است، دسترسی به منابع سرمایه‌ای از جمله سرمایه فرهنگی می‌تواند سبب رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تری شود.

در انتها، روش‌شناسی علمی ایجاب می‌کند به این نکته اشاره شود که چنین تبیینی اگرچه با واقعیت‌های مشاهده‌شده همسازی داشته باشد، لزوماً موجه‌ترین تبیین نیست. برای آزمون تبیین‌های مختلف باید متغیرها و سازه‌های بیشتری را مدنظر قرار داد و براساس چشم‌اندازهای نظری و مدل‌های ساختاری دیگر، به این مسئله پرداخت. با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با چارچوب‌های نظری بدیل و آزمودنی‌های متفاوت در سطوح وسیع‌تر انجام پذیرد. درنهایت، به‌عنوان محدودیت پژوهش حاضر باید این نکته را مدنظر داشت که با توجه به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای به‌کاررفته، امکان تعمیم نتایج پژوهش حاضر در مقایسه با شیوه‌های نمونه‌گیری احتمالی، اطمینان کمتری دارد.

کتابنامه

۱. آقایی هیر، ت.، هنرور، ح.، و علیزاده اقدم، م. ب. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای مصرف‌گرایی در ارتباط بین مادی‌گرایی و ردپای اکولوژیک (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه). *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایداری*، ۶(۱)، ۱-۱۸.
۲. بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (ب، ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.
۳. پایتختی اسکونی، ع.، بابازاده، م.، و طبقچی اکبری، ل. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل آموزشی بر رفتارهای زیست‌محیطی در ایران. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۱(۴۲)، ۲۳-۴۹.
۴. تاجبخش، ک. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، توسعه*. (ا. خاکباز، و ح. پویان، مترجمان) (چاپ سوم). تهران: نشر شیرازه.
۵. حجازی، ن.، و حیدرخانی، ه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان دین‌داری و سبک زندگی جوانان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴(۱۶)، ۱۲۷-۱۴۴.
۶. حمایت‌خواه جهرمی، م.، ارشاد، ف.، دانش، پ.، و قربانی، م. (۱۳۹۶). تأملی جامعه‌شناختی در باب مناسبات دانش، نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران). *مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۵-۲۵.

۷. زارع، ب.، حبیب‌پور گتایی، ک.، و عابدینی، ع. (۱۳۹۹). رابطه بین مصرف‌گرایی و جهت‌گیری‌های ارزشی با شهروندی زیست‌محیطی در بین شهروندان تبریز. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۹(۲)، ۷۳-۹۸.
۸. ساتن، ف. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست* (ص. صالحی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
۹. صالحی، ص.، و امام‌قلی، ل. (۱۳۹۱). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای محیط‌زیستی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج). *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۱۲۱-۱۴۷.
۱۰. علیخواه، ف. (۱۳۸۶). پیامدهای سیاسی مصرف‌گرایی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱)، ۲۳۱-۲۵۶.
۱۱. فروتن کیا، ش.، و نواح، ع. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست* (چاپ اول). تهران: انتشارات احسان.
۱۲. کوئن، ب. (۱۳۷۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی* (م. ثلاثی، مترجم). تهران: فرهنگ معاصر.
۱۳. کیانی سلمی، ص.، و شاطریان، م. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهروندان کاشان). *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۶(۲)، ۱۱۰-۱۱۵.
۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری کشور. بازیابی از <http://amar.sci.org.ir>
۱۵. ملکی، ا.، صالحی، ص.، و کریمی، ل. (۱۳۹۳). بررسی رابطه پارادایم نوین اکولوژیکی و رفتار مصرف‌آب. *مجله آب و فاضلاب*، ۱۹، ۱۲۲-۱۲۹.
۱۶. میرزایی، ج.، احمدی، س.، و لرستانی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران از منظر اقتصاد شهری تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۳(۱۱)، ۵۹-۷۷.
۱۷. میرزایی، ح.، شریف‌زاده، ح.، و سهرابی، م. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی در ایران (فراتحلیلی از تحقیقات موجود). *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۰(۲)، ۱۸۳-۲۰۳.

۱۸. میرفردی، ا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار زیست‌محیطی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی). فصلنامه آموزش و محیط‌زیست و توسعه پایدار، ۱۱(۴۲)، ۱۰۱-۱۱۴.
۱۹. نبوی، س. ح.، و مختاری هشی، ع. (۱۳۹۷). سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌های تهران. مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۲۰۹-۲۳۲.
۲۰. نصرتی‌نژاد، ف.، سراج‌زاده، ح.، و دیهول، م. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی رفتار زیست‌محیطی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی). فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۱(۳)، ۱-۲۱.
۲۱. نواح، ع. ر.، فروتن‌کیا، ش.، و پورترکارونی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱(۱)، ۷۷-۹۸.
۲۲. هانیکان، ج. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی محیط‌زیست (ص. صالحی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
۲۳. ویلن، ت. (۱۳۹۲). نظریه طبقه تن‌آسا (ف. ارشاد، مترجم) (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
۲۴. وردیو، پ. (۱۳۹۳). تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوق. (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: ثالث.
25. Arcury, T. A., Johnson, T. P., & Scollay, S. J. (1986). Ecological worldview and environmental knowledge: The "new environmental paradigm". *The Journal of Environmental Education*, 17(4), 35-40.
26. Asilsoy, B., & Oktay, D. (2018). Exploring environmental behaviour as the major determinant of ecological citizenship. *Sustainable Cities & Society*, 39, 765-771.
27. Axsen, J., & Kurani, K. S. (2014). Social influence and proenvironmental behavior: The reflexive layers of influence framework. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 41(5), 847-862.
28. Borden, R. J., & Francis, J. L. (1978). Who cares about ecology? Personality and sex differences in environmental concern. *Journal of Personality*, 46(1), 190-203.
29. European Commission, Directorate-General for Environment. (2017). Attitudes of European citizens towards the environment, fieldwork. Retrieved from <http://ec.europa.eu/commfrontoffice/publicopinion>
30. Godazgar, H. (2007). Islam versus consumerism & post modernism in the context of Iran. London: SAGE.

31. Grimmette, K. A. (2014). *The impacts of environmental education on youth and their environmental awareness* (Unpublished master's thesis). University of Nebraska-Lincoln, Nebraska.
32. Hines, J. M., Hungerford, H. R., & Tomera, A. N. (1987). Analysis and synthesis of research on responsible environmental behavior: A meta-analysis. *The Journal of Environmental Education*, 18(2), 1-8.
33. Kollmuss, A., & Agyeman, J. (2002). Mind the gap: Why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior? *Environmental Education Research*, 8(3), 239-260.
34. Laidley, T. M. (2013). The influence of social class and cultural variables on environmental behaviors: Municipal-level evidence from Massachusetts. *Environment and Behavior*, 45(2), 170-19.
35. Pietikäinen, J. (2007). *A slow start at the beginning of the recycling chain: how to make consumers recycle their mobile phones?* (Unpublished master's thesis). University of Helsinki, Turko, Finland.
36. Sabatini, F. (2009). Social capital as social networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences. *Journal of Socio-Economics*, 38(3), 134-159.